

نشست تخصصی «تحلیل و ارزیابی جشنواره هنرهای تجسمی فجر» با حضور آقای مجید ملانوروزی، مدیرکل سابق دفتر هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تاریخ ۹۷/۳/۱۹ در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار شد.

در بخش نخست جلسه، ملانوروزی به ارائه مباحث کلی پیرامون این رویداد پرداخت و در بخش دوم، به سؤالاتی در این زمینه پاسخ گفت.

اولین گفتار این نشست، موضوع تأخیر آغاز به کار جشنواره تجسمی فجر، در قیاس با دیگر جشنواره‌های هنری فجر بود که ملانوروزی آن را برآمده از ماهیت هنرهای تجسمی در مقایسه با هنرهای دیگر دانست. وی گفت، هنرهای تجسمی چندان دولتی نیستند و به عبارتی، هنرمند تجسمی نظیر نقاش، خوش‌نویس، یا کاریکاتوریست، اغلب در آتلیه شخصی خود کار می‌کند و آثارش را به منظور فروش، در نگارخانه‌ها عرضه می‌نماید، بنابراین مانند هنرمندان سینما، تئاتر و موسیقی چندان نیازی به مجوزهای دولتی ندارد. در یک مقایسه باید گفت، در حالی که جشنواره‌های سینمایی فرصت مناسبی برای نمایش فیلم‌هایی است که در طول سال پروانه نمایش دریافت می‌کنند و در این فرایند، گیشه برای سینماگر، تهیه‌کننده یا کارگردان حائز اهمیت است و از طریق فروش بلیط، بخشی از اقتضانات اقتصادی آن هنر تأمین می‌گردد؛ در جشنواره هنرهای تجسمی هیچ‌یک از مسایل فروش آثار و فروش بلیط مطرح نیست و معرفی هنرمندان، قیمت‌گذاری و فروش آثار در فضای خاص نگارخانه یا گالری و در زمانی خاص انجام می‌پذیرد و از اینرو هنرمندان حرفه‌ای به‌طور عام، تمایل چندانی به ارائه یا فروش اثر خود در یک جشنواره دولتی ندارند. این امر از آنروست که در سطح تخصصی حوزه تجسمی، معیار، حراج‌هایی هستند که با حضور مجموعه‌داران، با توجه به کاتالوگ یا برند حراج‌گذار داخلی یا خارجی برگزار می‌گردند و مراودات آتی، از بیمه تا فروش، مبتنی بر چنین مراجعی است. البته در کنار اینها باید به اهمیت اکسپوها و دوسالانه‌ها نیز اشاره نمود که به‌طور قطع نقش تعریف‌شده‌ای در این شاکله دارند.

ملانوروزی گفت، بدیهی است که جشنواره جوان هنرهای تجسمی در چنین سامانه‌ای با چالش‌های متعدد روبرو است. به‌ویژه آنکه در آغاز پیدایش، رقیب یا جایگزین بینال‌ها تلقی گردید. در حالی که بینال‌ها مهم‌ترین رویداد تخصصی کشور هستند، جشنواره به‌طور رسمی مجموعه‌ای از کمابیش هشت تا نه رشته هنری را شامل می‌شد که هر رشته زیرشاخه‌هایی را نیز در بر داشت. بدین ترتیب دبیرکل، شورای دبیران و هیئت داوران برای چنین مجموعه‌ای، بدنه‌ای با هفتاد الی هشتاد برگزارکننده با هزینه‌ای نسبتاً گزاف به جشنواره تحمیل می‌نمود. در شرایطی که تصمیم دولت مبتنی بر واسپاری بینال‌ها به انجمن‌های تخصصی هنر بوده و اولویت هنرمندان به نمایش آثارشان در بینال‌ها تعلق داشته است، جشنواره می‌بایست برای جذب هنرمندان به فراهم آوردن امکاناتی متفاوت از قبیل مزایای معنوی یا پوشش در رسانه‌های جمعی نظیر تلویزیون بیندیشد. در این رابطه خلأهای موجود در حوزه هنرهای تجسمی راهکار مناسبی به‌نظر می‌رسید. در این حوزه حدود ۳۰ رشته هنری جدید وجود دارد که دارای انجمن نبوده و از حیث مسائلی نظیر قانون کپی‌رایت یا دیگر موارد از سوی هیچ تشکل

تخصصی حمایت نمی‌شوند؛ هنرهای چندرسانه‌ای، ویدئو آرت، پرفورمنس آرت، هنر دیجیتال، هنر محیطی، و هنر مفهومی برخی از این موارد به‌شمار می‌آیند و در حالی که به‌طور مثال در برخی کشورها برگزاری جشنواره ویدئو آرت، چندین دهه قدمت دارد در ایران شاهد رویدادهای مشابه برای این رشته‌ها نبوده‌ایم. بدین ترتیب جشنواره به تدریج رویکرد بینارشته‌ای را مدنظر قرار داد. البته همه هنرها چه سنتی چه معاصر و چه بین رشته‌ای در جشنواره تجسمی فجر حضور دارد و معیار ورود به جشنواره بیش از هر چیز خلاقیت است. ملانوروزی افزود، از دیگر خلأهای قابل توجه در حوزه تجسمی که در رویدادهای متعدد جاری در کشور نظیر بینال‌ها، جشنواره‌های خصوصی و دولتی، و اکسپوها کمتر بدانها پرداخته می‌شود مواردی است که توسط وزارت ارشاد قابل رصد، و ثبت و ضبط می‌باشند. نشریات و کتاب‌های تخصصی منتشر شده در سال، کسب مقام هنری و دریافت جایزه توسط هنرمندان ایرانی از نهادها یا مراکز خارجی (سالانه حدود ۸۰ الی ۹۰ هنرمند ایرانی در حوزه تجسمی جایزه‌های جهانی دریافت می‌کنند)، خبرنگاران فعال رسانه‌ای در حوزه تجسمی، ناشران آثار هنری، نگارخانه‌های فعال در این زمینه، و به‌طور کلی تمامی جریان‌های پژوهشی، اجتماعی، مدیریتی، و دیپلماسی فرهنگی در سطح ملی و بین‌المللی از این جمله‌اند. بدین ترتیب جشنواره می‌تواند در کنار رویکرد نمایشگاهی (که البته نقد موازی کاری بر آن وارد است)، کارنامه تجسمی سال ایران را ارائه نموده و از فعالان این حوزه تقدیر به عمل آورد.

ملانوروزی ضمن تشریح این موارد اشاره کرد که جشنواره هنرهای تجسمی فجر حداقل تا حدودی، فرصتی فراهم آورده تا با هنرمندان دیگر کشورها مراوداتی برقرار شود و باید توجه داشت که دیپلماسی فرهنگی در ارتباط با کشورهای آمریکای لاتین، اروپا، آسیا و ... به‌طور قطع در سطح کیفی جشنواره و ارتقاء سطح تعاملات بین‌المللی جامعه هنری ایران تأثیرگذار است؛ ضمن آنکه باید توجه داشت هنرهای تجسمی بنابر اقتضاء ماهوی، از سوی عامه مردم کمتر مورد اقبال واقع شده و شاید از آنرو که چندان با مسائل روز سروکار ندارد - و همسنگ سینما و تئاتر به موضوعات اجتماعی نمی‌پردازد- بیشتر مورد توجه جامعه متخصص هنری قرار می‌گیرد. ملانوروزی رشد حدوداً دوبرابری تعداد گالری‌ها در دولت یازدهم و دوازدهم، را نشانه اقبال این جامعه متخصص به توسعه هنرهای تجسمی دانست.

پس از این مقدمه مدیرکل سابق دفتر هنرهای تجسمی، به پرسش‌های مطرح شده در خصوص ساختار و مدیریت اجرایی جشنواره هنرهای تجسمی فجر پاسخ داد:

- آیا بین دفتر هنرهای تجسمی و جشنواره فجر ارتباطی ارگانیک وجود دارد؟

بالاترین مقام اجرایی جشنواره، دبیرکل است که از طرف دفتر هنرهای تجسمی تعیین می‌گردد. دفتر در روند اجرا و برگزاری دخالت ندارد و تنها آن را دنبال می‌نماید.

- آیا در آیین‌نامه و شیوه‌نامه جشنواره تاکنون به‌طور ضمنی یا صریح درباره چشم‌انداز و اهداف توافقی حاصل شده است؟

به‌روزرسانی مفاد این اسناد بر اساس اقتضات زمان ضروری و لازم‌الاجراست. این به‌روزرسانی متوجه فرم‌های جدید هنری و موضوعات بینارشته‌ای بوده و محتوا همان فرهنگ و هنر ملی‌اسلامی ایران است، ضمن آنکه

چشم‌انداز آن است که جشنواره فجر توسط انجمن‌های هنری اداره شود چراکه در حال حاضر تردید انجمن‌ها نسبت به نگاه دولتی جشنواره در داوری‌ها، موضوعات و اتفاقات دیگر، مانع از حضور فعال ایشان شده است. فرصت و چشم‌انداز جشنواره به چند دلیل مثبت و قابل اعتناست. دلیل نخست زمان‌بندی ثابت و تداوم برگزاری آن در بهمن ماه است که می‌تواند به عنوان یک فستیوال دائمی تداعی گردد. دلیل دوم، وابستگی حداقلی هنرهای تجسمی به دولت و از سوی دیگر نیاز دولت به این سرمایه است و دلیل سوم آنکه بودجه جشنواره از ابتدا معین بوده و موضوع فجر و انقلاب همگان را موظف به تأمین آن می‌نماید. چنین بستری به‌طور قطع امکان لازم برای برندسازی را فراهم می‌نماید اگرچه در این میان مطالبات به‌حق جشنواره از قبیل فضای مناسب، جوایز شایسته، و غیره را نباید از نظر دور داشت.

- آیا هیچ‌گاه اساس‌نامه یک جشنواره موفق برای الگوبرداری مورد استفاده مسئولان بوده است؟

خیر. چنین رویه‌ای برای جشنواره ناکارآمد می‌باشد زیرا حوزه هنر آن‌هم تجسمی تاحدی سلیقه‌ای است و به‌طور مثال گزینش آثار، با وجود اهمیت خلاقیت، اصالت، محتوا، و ترکیب‌بندی، در نهایت مبتنی بر تصمیم داور است و همین موضوع درباره دبیر جشنواره و اولویت‌های او و همچنین کاریزمای شخصی وی در جذب مخاطب و هنرمند نیز صادق است. به‌طور کلی در هنر خیلی نمی‌توان بر اساس خط‌کشی و قاعده‌مند رفتار نمود.

- بنابر اظهار صریح مسئولان جشنواره «مخاطب جشنواره مردم می‌باشند». از آنجاکه در برگزاری یک جشنواره هر یک از اهداف «تقویت آگاهی هنری مردم»، «توجه دادن مردم به موضوعات اجتماعی خاص»، و «صرفاً لذت هنری»، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی خاص خود را اقتضا می‌نماید جشنواره هنرهای تجسمی کدام‌یک از این اهداف را دنبال می‌نماید؟

مهم‌ترین هدف جشنواره ارائه یک کارنامه از فعالیت‌های تجسمی سال در همه حوزه‌های خصوصی، اجتماعی، عمومی و دولتی است. اهتمام جشنواره معرفی فعالان برتر حوزه برای حدود ۳۰ تا ۴۰ رشته هنری است و مخاطب بر اساس این فضا تعیین می‌گردد. به‌طور قطع فضای گالری صبا، موزه هنرهای معاصر، موزه فلسطین، مجموعه فرهنگی نیاوران و موسسه اکو، تخصصی و متفاوت از فضای یک تئاتر خیابانی است و مخاطبان آن نیز بالطبع خاص و از میان علاقه‌مندان به حوزه تجسمی بوده و شاید نتوان عامه مردم را مخاطب آن قلمداد نمود. با این حال با تلاش متولیان امر، سال گذشته حدود ۳۰ استان درگیر جریان جشنواره بودند و همه اینها در ارتقاء ذوق و سلیقه و جنبه‌های هنری سواد بصری مردم تأثیرگذار است. هدف جشنواره در وهله نخست ثبت تاریخ تجسمی ایران است و البته در این میان اگر از طریق رسانه‌های عمومی نظیر تلویزیون اطلاع‌رسانی صورت پذیرد اهداف دیگر آن در رابطه با مخاطب عام نیز فرصت تحقق خواهد یافت.

- فرایند داوری جشنواره را چگونه ارزیابی می‌کنید و آیا داوری ادوار پیشین آسیب‌شناسی شده است؟

با توجه به تعدد داوران (بالغ بر ۴۰ تا ۶۰ نفر در هر دوره)، اهتمام مسئولان برگزاری معطوف به بهره‌گیری از داورانی است که علاوه بر تخصص هنری و تحصیلات آکادمیک، با فضای گالری‌ها و نگارخانه‌ها به‌طور خاص و فضای اجتماعی ایران به‌طور عام آشنا باشند. همچنین با توجه به اهمیت تشخیص کپی‌برداری در مرحله داوری، آشنایی داوران با جریان‌های هنری روز جهان و آثار هنرمندان خارجی از الزامات این مسئولیت است. با این حال

از آنجاکه در نهایت گزینش آثار منوط به سلیقه و تشخیص داور است، این حیطة همواره نیازمند نقد و بررسی است، ضمن آنکه دفتر هنرهای تجسمی در جریان داوری دخالت نداشته و نظری بر ایشان تحمیل نمی‌نماید.

- نقش هنری، فرهنگی، و اجتماعی جشنواره را در جامعه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تلاش‌هایی در راستای ایفاء این نقش، نظیر دعوت از سازمان زیباسازی برای قرار دادن برخی بیلبردهای تبلیغاتی با جنبه فرهنگی در اختیار جشنواره صورت پذیرفته که البته چندان مقرون به نتیجه و توفیق نبوده است. امروز هنر تجسمی، پیوست فرهنگی را با جامعه از دست داده است و این مسأله ناشی از شناخت بسیار پایین مردم از هنرهای تجسمی است. با وجود اهمیت هنرهای تجسمی که انواع طراحی‌ها از میز، دکور، فرش، لباس، تا موبایل، خانه، و شهر و هر آنچه غیر از سینما، موسیقی و تئاتر را شامل می‌شود، از دیزاین ایرانی چنانکه در دوران صفوی و قاجار شاهد بودیم، خبری نیست و با ورود به عصر مدرن آن فضا را از دست داده‌ایم. امروزه صنایع دستی ما، به‌طور مثال خاتم‌کاری، به همان ترتیب گذشته طراحی و تولید می‌شود و پیداست که طراحی معاصر وارد حوزه اجتماعی و هنرهای بومی و ملی ما نشده است. حل این مسأله مستلزم کالبدشکافی‌های فلسفی اجتماعی است و البته در مواردی نظیر مکتب سقاخانه این تحول رخ داده و سنت با مدرنیته پیوند یافته است به‌طوری‌که با حفظ آبشخورهای آیینی، ملی و تاریخی، شاهد بروز هنری با زبان، بیان و خوانش معاصر هستیم. مثال دیگر مجموعه آزادی است که هم دارای نمادهای معاصر است و هم نشانه‌هایی از گذشته ما در آن وجود دارد.

رویکرد جشنواره نسبت به این معضل، تداوم تلاش برای معرفی بیان‌های نو، افکار نو، ایده‌های نو، و زبان‌های نو است. جشنواره در قبال سطح سواد بصری عامیانه می‌تواند عاملی برای افزایش شناخت مردم از زیباشناسی و هنرهای تجسمی باشد و در این مسیر به‌شرطی موفق و ماندگار است که سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی، دینی، قومی، و ملی را با وجود همه پراکندگی‌ها به مثابه یک گنجینه ارزشمند پاس داشته و آن را با زبان جدیدتر و امروزی بیان نماید. وزارت ارشاد به عنوان متولی فرهنگ کشور همواره خواستار و حامی ایجاد چنین پیوندی میان فرهنگ گذشته و زندگی معاصر بوده است. با این‌حال باید توجه داشت که جشنواره به تنهایی تأثیر چندانی نخواهد داشت و تغییر اساسی و پایدار در این زمینه منوط به عزم اجتماعی و اقدامات آموزشی از سنین کودکی و دوران ابتدایی است چنانکه در کشورهای غربی کتاب‌های درسی، اردوهای آموزشی به موزه‌ها و اجرای نمایشگاه‌های گردان، زبان و بیان هنرهای تجسمی را در افراد نهادینه می‌سازد.

- برای ایجاد حس مشارکت در مخاطب تاکنون چه اقداماتی از سوی جشنواره صورت پذیرفته است؟ آیا مانند جشنواره فیلم فجر در اعلام فیلم برتر از نگاه مردمی، تدبیر مشابهی اندیشیده شده است؟

ماهیت سینما متفاوت از هنرهای تجسمی است با این‌حال، دو بخش اینستاگرام و ویدئوآرت مشمول این اتفاق بوده و آراء مردمی در اعلام برترین‌های این هنرها لحاظ شده است.

- آیا تاکنون اقدامات عملی در حمایت از آثار برتر و ورود آنها به بازار هنر صورت پذیرفته است؟

بحث مارکتینگ هنر را باید از بخش هنر تفکیک نمود. علاوه بر اینکه فروش یک اثر دالّ بر برتری آن نیست، ورود به بحث فروش آثار هنری جشنواره نیز جزء وظائف وزارت ارشاد تعریف نشده است. در همه جای دنیا این حوزه روابط و ضوابط خاص خود را دارد و مجموعه‌ای از عوامل شامل اسپانسر، حامی، نگارخانه، حراجی‌ها، مجموعه‌داران و غیره در آن دخیل می‌باشند. فروش یک اثر تابعی از متغیرهایی نظیر وجوه کاریزماتیک خالق اثر، رابطین اقتصادی، هزینه‌های صرف شده برای چاپ، قاب‌بندی، نقدنویسی برای اثر و نگارخانه برای نمایش است. از سوی دیگر برخی از هنرمندان تمایلی به فروش اثر نداشته و تنها خواستار نمایش آن هستند. جشنواره فرصتی برای دیده شدن برای هنرمندان فراهم می‌آورد. حضور نگارخانه‌ها و گالری‌ها امکان ارتباط با هنرمندان جوان شهرستانی و برگزاری نمایشگاه برای ایشان را فراهم ساخته و چه‌بسا از خلال همین ارتباطات و حضور دست‌اندرکاران حوزه‌های اقتصادی هنر، زمینه فروش آثار نیز مهیا گردد. با این حال جشنواره به دنبال فروش آثار و ورود به بدنه اقتصاد هنر نیست.

- بنابر تصریح شما حدود ۶۰ نهاد در ایران به برگزاری مسابقات و فستیوال‌ها می‌پردازند. از آنجاکه در حوزه تولید هنری هنوز به بلوغ نرسیده‌ایم آیا بهتر نمی‌دانید که سیاست‌گذاری این نهادها ضمن تغییر اساسی در رویکرد، به سمت برنامه‌های پژوهشی، برگزاری ورکشاپ، و راه‌کارهای مشابه هدایت شوند؟

بسیاری از این برگزارکنندگان از بخش خصوصی هستند که اهداف خاص خود را دنبال می‌نمایند و ما نمی‌توانیم سیاست‌گذار آنها باشیم و چه‌بسا در برخی موارد سیاست‌گذاری آنها اصولی‌تر نیز باشد. به‌علاوه، برگزاری چنین جشنواره‌هایی از سوی نهادهایی نظیر شهرداری، وزارت بهداشت، وزارت صنایع و معدن، و غیره عمدتاً متوجه تبلیغات و پیشبرد اهداف و برنامه‌های سازمانی با استفاده از فرصت و ظرفیت هنر است. وزارت ارشاد با صدور مجوز و پیشنهاد مشاور هنری سعی در کمک به این روند داشته و نهایتاً نقش حمایتی و نظارتی ایفاء می‌نماید. از سوی دیگر با توجه به مسائل موجود جامعه هنری از جمله عدم تعادل میان دانشگاه و بازار کار، کمبود امکانات شهرستان‌ها، و ضعف در مارکت و فروش آثار چه‌بسا همین جوایز برای بسیاری از هنرمندان مغتنم باشد. دولت بنابر ملاحظات بودجه، امکانات و بضاعت، توان برگزاری جشنواره در هر یک از حوزه‌های معماری، شهرسازی، استاندارد، بیمه، صنعت، معدن، و بهداشت را ندارد اما این فرصت را از طریق تأمین بخشی از هزینه‌های مربوط به جوایز، چاپ کتاب، داور یا مشاور، یا تأمین مکان و فضای برگزاری فراهم می‌آورد. به‌رحال اگرچه این شاکله با وضعیت مطلوب و ایده‌آل فاصله دارد اما باید به چشم یک فرصت و نه معضل بدان نگریسته شود.

- لطفاً سیاست‌گذاری معاونت هنری در شکل‌گیری و برگزاری سالانه‌ها و چند سالانه‌ها را شرح نمایید و درباره ارتباط آنها با جشنواره، به‌ویژه موضوع جایگزینی دوسالانه‌های تجسمی با جشنواره تجسمی فجر توضیحاتی ارائه فرمایید. در برخی از ادوار پیشین، انجمن‌ها به دلالی که جای بحث آن نیست، چندان علاقه‌مند به همکاری با یک فضای دولتی نبودند اما اکنون حتی بحث واسپاری اجرای جشنواره به انجمن‌ها نیز مطرح است. اگرچه در بحث توقف برگزاری دوسالانه‌ها یا چندسالانه‌ها موضوع موازی‌کاری با جشنواره مطرح بوده اما در بسیاری از موارد، مشکلات درونی انجمن‌ها روند برپایی را با مانع روبرو ساخته بود. از طرفی نیز جشنواره با تغییر رویکرد و توجه به هنرهای

بینارشته‌ای و همچنین پرداختن به موارد دیگر نظیر معرفی و تقدیر از خبرگزاری‌ها، نگارخانه‌ها، انتشارات و دیگر نهادهای فعال در حوزه تجسمی خود را از مظان رقابت با انجمن‌ها کنار کشید. دولت خود را موظف به حمایت مالی از انجمن‌ها در برگزاری بینال‌ها می‌داند اما عدم برگزاری منظم این رویدادها ناشی از علل گوناگون از جمله تغییر مدیریت، تغییر سیاست‌گذاری (به‌طور مثال تمایل به برگزاری ورکشاپ و دعوت از متخصصین خارجی به‌جای برگزاری بینال، یا تصمیم انجمن نقاشی مبنی بر برگزاری بینال آرت به‌جای نقاشی)، یا به‌طور کلی، عدم آمادگی بوده است. به‌رحال تصمیم انجمن‌ها هرچه باشد، با توجه به آنکه تمام رسالت هنری بر دوش انجمن‌ها نبوده و گاه رویدادهای دیگر، تخصصی‌تر عمل نموده و بیشتر مورد اقبال قرار می‌گیرند، جشنواره نیز در حد بضاعت و ظرفیت خود به ایفاء نقش خود می‌پردازد.